

اگلو می
اسلامی
ایرانی

الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در اندیشه ملاصدرا

روح‌الله عشریه^۱، حسن ستاری ساربانقلی^۲، محمدرضا پاکدل فرد^۳، عزیز جوانپور هروی^۴

چکیده

امروزه در تئوری شهرسازی، شهرهای مطلوبی از طرف نظریه‌پردازان غربی ارائه گشته که تأثیر زیادی در شکل‌گیری شهرهای جهان داشته‌اند. این اندیشه‌ها به این دلیل که با الگوی ایرانی-اسلامی همخوانی ندارند، سبب ایجاد نوعی سردرگمی میان شهروندان و طراحان گشته است. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی اسلامی-ایرانی شهر مطلوب در اندیشه ملاصدرا، به‌عنوان گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از راهبرد مفهوم‌سازی داده‌بنیاد به بررسی الگوی اسلامی-ایرانی شهر مطلوب در اندیشه ملاصدرا در قالب کتب تألیفی او پرداخته است و به دلیل اینکه اندیشه حکمت متعالیه، اوج تفکر فکری-فلسفی ایرانی-اسلامی محسوب می‌شود، آن را جانشینی برای نمونه‌های مطروحه غربی معرفی می‌نماید. روش تحقیق به صورت کیفی و مبتنی بر استراتژی تحلیلی-توصیفی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استوار است. توجه به اجتماع در عین توجه به فرد، اجتماعی بودن سرشت انسان، فیلسوف بودن حاکمان، توجه به نفس، قوانین توحیدی، توجه به عقل، تعاون و همکاری اجتماع و حرکت جمعی در جهت رسیدن به کمال در میان شهروندان از موارد خاص مورد توجه این فیلسوف شهیر در باب شهر مطلوب بوده است. بیشترین توجه و تأکید این اندیشمند درباره شهر مطلوب، ناظر بر سیر ارتقای توجه به زندگانی مادی و معنوی شهروندان و توجه کافی به امور روحانی و معنوی در فضاهای شهری است.

واژگان کلیدی: شهر مطلوب، حکمت متعالیه، ملاصدرا، سعادت اجتماع و فرد.

۱. دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، پردیس بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: r.oshrieh@yahoo.com

۲. دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: sattari@iaut.ac.ir

۳. استادیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Email: m.pakdelfard@srbiau.ac.ir

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: azizjavanpourheravi@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

رسیدن به اهداف کمال‌گرایانه جز در بستر جمعی، حاصل نمی‌گردد زیرا انسان در ذات خود موجودی است اجتماعی و کامل‌ترین این اجتماع، اجتماع شهری محسوب می‌شود. اولین نامی که به تفصیل و دقت به مسئله الگوی شهر مطلوب پرداخته بی‌شک افلاطون است. وی در کتاب جمهوری خود به شرح ابعاد، اجتماع، اندازه و سایر مؤلفه‌های شهر مطلوب خود پرداخت. تأثیر او، تا آنجا بود که پس از وی هر کس تلاش نمود تا اندیشه‌ای درخور در این باب ارائه دهد. افرادی همچون: توماس مور در کتاب اوتوپیا، فرانسیس بیکن در آتلانتیس، کامپلانا در شهر آفتاب، ولتر در شهر زرین و دیگران به تبعیت از افلاطون پرداختند. در میان فیلسوفان مسلمان، فارابی اولین شخصی بود که در باب شهر مطلوب، کوشید. وی فردی شیعه‌مذهب بود. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱) شهر مطلوب در نظام فکری فارابی، اجتماعی است که افراد آن، سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غایت برساند، تعاون دارند (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۷۶: ۲۱). تعاون، یاری‌رسانی، تقسیم‌کار و توزیع مسئولیت‌های اجتماعی بین اعضای جامعه، به‌منظور رفع نیازهای فردی و جمعی دیگر مؤلفه‌های شهر مطلوب اوست؛ لذا اندیشه‌های او نسبت به افکار افلاطون، حالت آرمانی کمتری داشت و به واقعیت نزدیک‌تر بود. پس از او، شهاب‌الدین سهروردی نیز که از منظر تفکر، به مشرب افلاطونی ارادت تام داشت به پیروی از او، اندیشه‌های آرمانی در مقال ناکجاآباد بیان نمود (سهروردی، ۱۳۹۰: ۱۰) و کمی از شهر و جامعه مطلوب قابل تحقق فاصله گرفت و به مطلوبی آرمانی پرداخت. از نظر خواجه نصیرالدین اما مدینه فاضله، اجتماع افرادی است که اهدافشان فراهم کردن خیرات و استفاده از آنها و از بین بردن شرور است. از آنجا که خیرات از خیر مطلق سرچشمه می‌گیرد (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴: ۸۱) و تمام امور باید در جامعه شهری تحقق یابد با همکاری و تعاون تمام افراد شهر؛ اما پس از او، صحبت در مورد جامعه، شهر و اجتماعی مطلوب کم و بیش در اندیشه فیلسوفان اسلامی-ایرانی به‌کناری رفت و این امر مطرود شد تا اینکه نوبت به صدرالمتألهین رسید. نگرش او تا دوره قاجار بسیار مورد توجه قرار گرفت و بزرگانی چون ملا علی زنوزی و ملا هادی سبزواری از مروجان اندیشه او بودند.

اما افسوس که در واسط دوره قاجار و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، ظهور روشنفکرانی که پیشرفت را در پیروی بی‌چون و چرا از اندیشه‌ها و نگرش غربی می‌دیدند سبب شد تا اصالت فکری چند هزار ساله ایرانی-اسلامی مورد بی‌مهری قرارگیرد و اندیشه‌هایی که آبخشور آنها از وحی و خرد به‌صورت دو بال جدا نشدنی بود به گوشه‌ای کنار گذاشته شوند و نگرش‌هایی حاکم شوند که نه با روح فرهنگ این دیار سازگاری و همخوانی دارد و نه قابلیت اجرایی لازم برای آنها دیده می‌شود. این اندیشه‌های وارداتی به‌دلیل تطابق نداشتن با زیربنای فکری، غیر بومی بودن و عدم شناسایی مشکلات و نیاز جامعه، نه تنها باری از دوش بر نداشته‌اند بلکه مردم و هویت آنان را دچار بحران سردرگمی کرده‌اند و به‌جای پیشرفت، عقب‌گرد کردند و سد راهی در برابر اهداف و آرمانها شدند. زیرا از لحاظ ساختاری، این اندیشه‌های تحمیلی با نوع نگاه بومی ایرانی تفاوت آشکار دارد. نگاه ایرانی-اسلامی همواره به تعالی و پیشرفت مادی و معنوی مردم بوده و هست، حال آنکه در نگاه اندیشمندان نامی معاصر غرب، جنبه معنوی و بُعد زندگی پس از مرگ، انکار یا حداقل بدون موضع رها گشته و توجهی به آن نشده است. حال آنکه اندیشه‌های ایران، حتی پیش از اسلام نیز بر جاودان بودن زندگی پس از مرگ، تأکید موکد دارد؛ لذا اندیشه‌های غربی به لحاظ بنیادین، جوابگوی نیاز فرهنگ این دیار نیست.

پس از انقلاب، برخی از اندیشمندان همچون عماد افروغ، این اندیشه‌ها را به نقد کشیدند و خواستار ورود اندیشه‌های حکمت متعالیه به‌ورطه نظریه‌پردازی شدند و راه پیشرفت و کمال را در ارائه نظریات در قالب فلسفه حکمت متعالیه دیدند (افروغ، ۱۳۹۵: ۳۳۸). اما به‌دلیل حجم‌های عظیم نظام‌های سرمایه‌داری غربی، کوشش این عزیزان توفیق چندانی نیافت زیرا مباحث را تنها به‌صورت نظری می‌دیدند و به این مهم توجه ننمودند که اندیشه‌های فلسفی باید در بستری از هنر یا اجتماع، ظهور و بروز یابند تا کاربری آن مورد سنجش قرار گیرد. از آنجایی که بهترین بستر برای پیاده‌سازی مفاهیم فکری-فلسفی، شهرها هستند زیرا که رودرو تمام افراد جامعه را در بر می‌گیرد و کاربران را مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. زیرا ظرفیت‌های تفکر اسلامی نیازمند فضا و مکانی برای نمایش استعدادها و به‌فعلیت رساندن آنهاست و تا چنین زمینه‌ای ایجاد نشود، مکتبی علمی و عملی جهت نمایش الگوی ایرانی و اسلامی پیشرفت محقق نمی‌شود. ملاصدرا با روش خاص و بدیع حکمت خود که تا پیش از

او به ذهن احدی راه نیافته بود توانست فلسفه اسلامی را از بن بست در آورد و نگراشی پویا و نوین ایجاد نماید. او عقل، حدیث، عرفان و قرآن را درآمیخت و خلاء ارتباط دین و اندیشه را پر نمود. در شهرسازی امروزی ایران، نبود نظریه‌ای این چینی که هم به بعد مادی و هم معنوی انسان توجه نماید بسیار مشهود است و هدف پژوهش نیز ارائه الگویی مناسب برای شهروندان این مرز و بوم است تا تمام ابعاد انسانی آنها را پاسخگو باشد.

با توجه به موارد یاد شده می‌توان امیدوار بود که از حکمت صدرایی راهی برای تعالی زمینه شهری متناسب با هویت ایرانی اسلامی ارائه کرد تا بستری متناسب با خواستگاه مردم فراهم شود و در آن بتوانند به پیشرفتی مبتنی بر ارزش‌های ایرانی-اسلامی در بستر شهرها دست یابند تا سعادت، پیشرفت و کمال شهروندان محقق شود.

۲. اهداف و سوالات پژوهش

هدف پژوهش حاضر، مطالعه مفاهیم و اندیشه‌های پیرامون الگوی اسلامی-ایرانی شهر مطلوب در نظریات ملاحظه‌شده است که در میان فیلسوفان مسلمان، بیشتر به ارائه اندیشه در باب شهر مطلوب پرداخته‌اند تا در نهایت، ویژگی‌های شهر و جامعه مطلوب اسلامی-ایرانی از منظر مؤسس حکمت متعالیه مورد بررسی قرار گیرد. تا سبب پیشرفت در شهرسازی این مرز و بوم و ارائه نگرشی متناسب با بستر فکری و فرهنگی مردم گردد. نیل به این مهم بر اساس اندیشه‌های فکری فلسفی عمیق ایرانی و با تکیه بر مفاهیم و معارف اسلامی، ارزشهای ملی و راهکارهای بومی، در پی ارائه الگویی مناسب برای توسعه شهرسازی ایران است.

به‌طور کلی پرسش‌های اصلی پژوهش این است که: (۱) الگوی اسلامی-ایرانی، اصول، راهکارها، مفاهیم و اندیشه‌های شهرسازی در اندیشه‌ی ملاحظه‌شده چیست؟ و (۲) این اصول، چه تأثیری از لحاظ مادی و معنوی بر شهر و شهروندان مطلوب خود می‌تواند داشته باشد و یا داشته است؟

۳. پیشینه تحقیق

محمدی کیا (۱۳۹۸) در تحقیق خود با عنوان «شهر مطلوب "غزالی": آرمان شهری بر مدار اصلاح» به

ارائه آراء غزالی در باب شهر مطلوب پرداخته و معتقد است که نظر غزالی در برپایی چنین شهری بر سه گانه «دین، سیاست و اخلاق» استوار است. وی وظایف رهبر جامعه را ابتدا به دو بخش علمی و عملی تقسیم می‌کند. او در خاتمه خاطر نشان می‌سازد که غزالی در شهر مطلوب، وظایف ویژه‌ای برای مدیران، شهروندان و متولیان دین قائل است که همگی باید در رسیدن به سعادت کوشش کنند. سعادت که از دل معرفت بیرون می‌آید و معرفتی که حاصل پاکی دل است. از یک سو دل به مثابه محمل معرفت برای آدمی، مرکز توجه معرفت شناختی غزالی است و از دیگر سو کوشش جهت حصول فهم باطنی از دین از سوی متولیان آن را به خوانشی باطنی از دین در اندیشه غزالی می‌برد.

محمودی، احمدی، محمدی، رحمانی و برنافر (۱۳۹۷) در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «چیستی آرمان‌شهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت الله جوادی آملی» با استفاده از روش مقایسه تطبیقی با اتکا بر مطالعات اسنادی به چیستی آرمان‌شهر از دیدگاه این دو اندیشمند پرداخته و نظرات آنان را با هم مقایسه نموده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که آرمان‌شهر شیعی بیشتر به تهذیب فرد، جامعه و روابط آنها می‌پردازد. این آرمان‌شهر ابعاد تاریخی و جغرافیایی مشخصی ندارد و بسته به شرایط، افراد و اجتماع، قابل حصول است. در ادامه می‌افزایند که ملاصدرا، تحقق این آرمان‌شهر را در رهبر و اجتماع مناسب می‌داند اما آیت الله جوادی، فرد را بر می‌گزیند و تهذیب فردی را اولی قرار می‌دهد.

اسفندیاری، مهدوی‌آرا، نادریان لایین و یوسفی چوبینی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای پژوهشی به نام «آرمان‌شهر اسلامی از منظر امام رضا (ع)» به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این پرسش‌ها پاسخ دادند که: آرمان‌شهر رضوی چگونه معنا پیدا می‌کند؟ و ویژگیهای این آرمان‌شهر چیست؟ و ابراز داشتند که آرمان‌شهر رضوی مکانی است که در آن ارزش‌های مکتب اسلام تبلور یابد و فرامین رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) در آن به روشنی خود را نشان دهد و سرانجام، خواسته‌های آنان در تمامی ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ساکنین این شهر مقدس حاکم باشد؛ چرا که این شهر منسوب به امامی است که تمامی ویژگیهای انبیا و ائمه را دارد و او امام معصوم است. شهری که به نام او مزین است باید عاری از هرگونه زشتی و تجلی‌گاه همه خوبیها باشد. در نهایت اینکه آرمان‌شهر مدنظر امام رضا (ع) ویژگی‌هایی دارد، که از جمله محوریت عدالت و دین و بازگشت به دوران

سیادت اصول اخلاقی و انسانی و برپایی حکومت عدل الهی در بهترین جامعه دینی و در بین برترین فرزندان بشر است. امام در عین حال که سعی در بیان و اجرای تمام اصول اخلاقی اسلامی دارند، بر نیازهای جامعه و اشخاص نیز بسیار توجه می‌کنند که همین اصول در کنار یکدیگر ریشه‌های اساسی آرمان‌شهر رضوی را پایه‌گذاری می‌کند.

بنی فاطمه و بوداقتی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه شهر مطلوب با شهر جهانی» با استفاده از روش اسنادی، به اشتراکات و افتراقات این دو پدیده پرداخته و بیان داشتند که شهر مطلوب شهری است که نه تنها در سرمایه اقتصادی بلکه در سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز قوی باشد. این شهر دارای سبک روشنی از حکومت با یک دولت متجدد که با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی فعالیت می‌کند و دارای اعضای فعال و خلاق در توسعه دادن فناوری‌های متری و فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور رسیدن به توسعه محلی و جهانی پایدار است. در شهر مطلوب، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، فرصت و تهدید بودن جهانی شدن، توسعه از پایین به بالا، مکان‌های کم‌تراکم، سیاست‌های منطقه و سایر عوامل مهم است.

جابر پروین (۱۳۹۱) در اثر خود با موضوع «مقایسه پیش‌فرضهای جامعه مطلوب در قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی» به چستی جامعه مطلوب از منظر قرآن با استفاده از اندیشه‌های دو مفسر بزرگ قرآنی با روش توصیفی-تفسیری پرداخته و مفاهیمی همچون اصالت فرد، جامعه و تعلیم و تربیت را به‌صورت کیفی مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است که در آثار علامه طباطبائی چنان دیده می‌شود که هر فرد در جامعه مطلوب باید به کمالی که لایق آن است برسد و چیزی یا کسی مانع پیشرفت او نشود.

با توجه به موارد یاد شده می‌توان دریافت که اگرچه نکاتی مهم و قابل توجه در تحقیقات مذکور بیان شده اما تاکنون در زمینه الگوی ایرانی-اسلامی شهر مطلوب در اندیشه‌های ملاصدرا پژوهشی مناسب صورت نپذیرفته است و از این منظر، پژوهش حاضر امری بدیع محسوب می‌گردد.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. شهر

اصطلاح شهر از جمله واژه‌هایی است که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد اما اتفاق نظری در مورد تعریف آن وجود ندارد و امروزه اکثر این تعاریف، کاربرد صحیحی ندارند و در شناساندن حقیقت شهر به ما کمکی نمی‌کنند. برای مثال طبق تعریف ادارهٔ سرشماری آمریکا شهر مکانی است که دارای جمعیت ۲۵۰۰ نفر یا بیشتر است باشد (عظیمی، قراگوزلو و قادری، ۱۳۹۲: ۲۲) که طبق این عبارت، اکثر اجتماعات بشری، شهر محسوب می‌شوند اما تفاوتی بین شهرهایی مانند تهران با جمعیت چند میلیونی و شهری با سه هزار نفر جمعیت نیست و ناقص بودن تعریف، آشکار است. شهرها پیوسته در حال تغییر و رشد هستند لذا باید تعریفی ارائه گردد تا با پویایی شهر همراه باشد. اهمیت تعریف شهر از آن روست که طبق برآورد بانک جهانی تا سال ۲۰۲۵، ۸۸ درصد از جمعیت کل جهان در مناطق شهری خواهند بود (علیخواه، ۱۳۹۵: ۱۹). در ایران تعریفی که بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرد چنین است: «محلی با حدود قانونی که در محدودهٔ جغرافیایی بخش واقع شده است و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود است؛ به طوری که بیشتر ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال دارند و در زمینهٔ خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزهٔ جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد» (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵). در تعریف مذکور، ابهامات زیادی نهفته که شاید همهٔ آنها قابل چشم‌پوشی باشد اما اینکه در چنین تعریفی، هویت شهر به کناری نهاده شده و فقط با ذکر عبارت «سیمایی خاص» به ظاهر شهر توجه شده محل تأمل است. در پژوهش حاضر اما به دلیل فلسفی بودن بحث، متأثر از نظریهٔ حرکت جوهری، پویایی شهر و حرکت به سمت استکمال، مورد توجه است و اصل اساسی در تعریف را این واژه‌ها تأمین می‌کنند. زیرا رسیدن به شهر مورد نظر تحقیق، جز با این مولفه‌ها قابل پیگیری نیست.

۲-۴. الگو

این واژه در معانی متعددی به کار رفته است. در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی است (دهقان، ۱۳۸۶: ۶۵). مدل، طرح و نمونه‌ای است، که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود (زنجانی زاده، ۱۳۷۹: ۴۴). توسل به الگو در همه علوم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ چرا که اکثر فلاسفه، اندیشمندان و محققان، که درباره زندگی اجتماعی انسان به بحث پرداخته‌اند، همواره به مشابَهت‌ها یا بعضی تصاویر، توسل جسته‌اند؛ تا بتوانند جامعه را نزد خود معرفی کنند. به دلیل اینکه واقعیت اجتماعی، امری غامض، چندگانه و فرار است؛ به حدی که ذهن انسان، توانایی درک کامل این واقعیت، در کلیت و پویایی آن را ندارد، پس برای آنکه بتوان از این واقعیت پیچیده سخن گفت و آن را به اجزا و عناصر متشکله‌اش تجزیه کرد، قیاس صورت می‌گیرد؛ این قیاس، میان جامعه پیچیده با اشیاء و موجودات ساده و شناخته شده‌تر انجام می‌گیرد؛ که به اصطلاح به آنها الگو گفته می‌شود (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۴۳).

گاهی الگو ناظر بر نظامی از پیش فرضها، داده‌ها و دریافت‌های ذهنی از چیزی، امری یا وضعیت است که ریاضی‌گونه بیان می‌شود. در اینجا با الگوی انتزاعی از واقعیت که ماهیت ذهنی دارد، مواجه هستیم. در مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، تعریف ارائه شده از الگو این چنین است: «الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین گفته می‌شود که در ساختاری منطقی برای توضیح و تفسیر سیستمی از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روشها، فرایندها، تئوریه‌ها و نظریه‌ها ارائه می‌شود» (میرمعزی، ۱۳۹۳/۴/۶). در این پژوهش ایجاد الگویی نظام‌مند در شهرسازی که نشانگر آرمانهای اسلامی-شیعی باشد مد نظر است.

۳-۴. شهر مطلوب و مولفه‌های آن

در دهه کنونی به دلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان، شاهد پیدایش مفهوم جدیدی در شهرسازی به نام شهر مطلوب هستیم. این مفهوم جدید حتی به مقابله با شهرهای جهانی نیز رفته و آنها را تحت شعاع قرار داده است (بنی فاطمه بوداقتی، ۱۳۹۳: ۱). شهر مطلوب شهری است که با توجه به مدل توسعه پایدار محلی و با تأکید بر حکمرانی شهری، دارای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و

محیطی قوی است که هدفش توسعه درونزا است. یعنی آنچه در این شهرها دنبال می‌شود، پایداری اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی با تأکید بر هنجارها، عقاید و محیط زیست محلِ مربوط است و این‌گونه نیست که تنها مدلی جهانی به منطقه تحمیل شود.

به‌منظور رفع چالش‌های نظری شهرهای جهانی، مفهوم دیگری به‌نام شهر مطلوب در ادبیات شهری برجسته شده است که در این مفهوم، به‌جای تأکید بر نقش شهرها در اقتصاد جهانی و توسعه برونزا، به تأثیرات محلی جهانی شدن و رویکرد توسعه پایدار محلی و توسعه درونزا تأکید شده است؛ زیرا توسعه محلی می‌تواند شبکه‌های اقتصاد محلی و همچنین انسجام اجتماعی را حفظ کند (بنی فاطمه بوداقی، ۱۳۹۳: ۴). به‌طور کلی و با توجه به مطالب قید شده، شهر مطلوب شهری است که:

۱- نه‌تنها در سرمایه اقتصادی، بلکه در سرمایه انسانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی نیز قوی باشد.
 ۲- دارای سبک روشنی از حکومت است با یک دولت متجدد که با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی فعالیت می‌کنند.

۳- دارای اعضای فعال و خلاق در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Kamng and Hills, 2003:152-153).

همان‌گونه که در بالا نیز ذکر شد، یکی از مهمترین مولفه‌های شهر مطلوب، داشتن سبک روشن در حکمرانی است؛ یعنی در این شهرها، راهبرد به این نحو است که سعی شود تا تمام کنش‌گران دولتی، خصوصی و مدنی در صحنه حاضر باشند تا نیاز تمام افراد، اقشار و گروهها دیده و به آنها پرداخته شود. به‌طور کلی ریزمولفه حکمرانی شامل: پایداری، تمرکززدایی، شفافیت، برابری، کارایی و پاسخگویی است (پور احمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). در این میان باید توجه داشت که کاریزما و بعد نمادین نیز در این‌گونه شهرها بسیار دارای اهمیت است (Savitch, 2010: ۴۴).

از سوی دیگر، شهرهای مطلوب، شهرهای متمرکز هستند با مراکز قوی. یعنی دارای تراکم بالایی هستند تا هم مشارکت و هم تولید را تحت پوشش خود بگیرند (رفیعیان و فرجام، ۱۳۹۰: ۱۲۰). ولی نباید از این نکته غافل شد که در شهرهای مطلوب، توسعه پایدار محلی بیشتر برجسته است یعنی در آنها، برنامه‌ریزی از پایین به بالا، مشارکت جمعی و فراگیر، حق انتخاب بیشتر برای ساکنان، عدالت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر همراه با کارایی بیشتر، توزیع عادلانه امکانات و مواهب توسعه و نیز رفاه مردم نقش محوری دارند (فنی و صارمی، ۱۳۹۲: ۳۷).

رویکرد شهر مطلوب به نحوی است که از طریق توجه به سیاست‌های محلی، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی به دنبال توسعه پایدار محلی است؛ لذا باید نوآوری به سمت بهره‌وری در استفاده از منابع طبیعی و مفاهیم جدید در صنعت و خدمات سوق داده شود تا بتوان در مسائلی از قبیل انرژی، سلامت روانی، تأمین شغل و مشارکت اجتماعی راهکار مناسب یافت (Kamng and Hills, 2003:164).

با توجه به مطلب فوق باید گفت که شهر مطلوب دارای مولفه‌های زیر است:

جدول شماره ۱- مولفه‌های کلی شهر مطلوب؛ ماخذ: نگارندگان

ردیف	مولفه شهر مطلوب	توضیح
۱	توجه به پایداری اجتماعی	از طریق تلاش برای مشارکت حداکثری، توجه به خواست همه مردم، ایجاد فرصتهای برابر، رفاه همگانی، تقسیم عادلانه امکانات
۲	پایداری فرهنگی	توجه به سنن و رسوم محلی بجای مبحث جهانی شدن، کمک به رشد و تعالی عقاید محلی و منطقه‌ای، توجه به کنشگر محلی
۳	توسعه اقتصادی	جذب سرمایه‌های جهانی و محلی، ترغیب مشارکت عمومی در توسعه اقتصادی منطقه‌ای و محلی
۴	توجه به منابع انسانی	امکان آموزش و یادگیری مناسب برای عموم، فراهم آوردن زیرساختهای توسعه و پیشرفت برای فرد و جامعه، ایجاد امنیت شغلی
۵	توسعه درونزا	اولویت با افراد محلی و تلاش برای تولید و رشد محلی
۶	توسعه با رویکرد خدمت	نیازهای تمام افراد تا حد ممکن دیده و رفع شود
۷	حکومت مردمی	تعامل و پویایی مردم و تلاش برای مشارکت، جمعی، گروهی و فردی در حکومت
۸	توسعه شهری	توسعه شهری از پایین به بالا و نگرش خرد مقیاس و عینی
۹	توجه به محیط زیست	الگوگیری محیط زیستی محلی و مطالعه و حفظ آن
۱۰	بعد نمادین و کارزماتیک	پیدایش محله‌های کم تراکم و وجود شاخص برای آنها طبق الگوی محلی

۵. روش پژوهش

با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش، از میان روش‌های مناسب برای گردآوری مواد و داده‌ها، از روش تحلیل داده‌های کیفی به صورت تحلیلی-توصیفی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. «هدف تحقیق کیفی، کسب آشنایی کلی (سازمان‌یافته، جامع و مانع) با بستر تحقیق است»

(عینی فر، ۱۳۹۱: ۱۷۹). راهبرد مد نظر در تجزیه‌تخلیل داده‌های تحقیق حاضر، بر حسب روش کیفی یا تکیه بر فرآیند تدوین، تنظیم، اختصار و بیان مفاهیم کلی و جزئی از داده‌های یافته شده است تا توسط بررسی داده‌ها به پرسش‌های مطروحه پاسخ داده شود. لذا در وهله اول، کتب نوشته شده توسط ملاصدرا مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های نظری و کاربردی آن گردآوری شد. سپس با استفاده از تحلیل محتوا، این داده‌ها دسته‌بندی و نظام‌یافته شدند تا در یافتن پاسخ سوالات مورد استفاده قرار گیرند.

اندیشه و نظریات پیرامون الگوی ایرانی-اسلامی شهر مطلوب ملاصدرا در واقع نظر او پیرامون، اجماع بین شریعت، عقل و کارکرد است که در تمام ابعادش روح الهی دارد و سعادت و استكمال بشری را بر اساس ابتکار بی‌نظیر صدر المتألهین یعنی حرکت جوهری در زندگی و آخرتش را شامل می‌شود. او همواره، شریعت، شهود و تفکر را اساس کار قرار داده و به همین دلیل نظریاتش برای شهرسازی درخور اهمیت است.

دیاگرام ۱- نحوه ارتباطات مؤلفه‌های شهر مطلوب در حکمت متعالیه؛ مأخذ: نگارندگان



۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. یافته‌های پژوهش در پاسخ به پرسش نخست پژوهش

- برای پاسخ پرسش نخست در تحقیق حاضر، یعنی اینکه الگوی اسلامی-ایرانی، اصول، راهکارها، مفاهیم و اندیشه‌های شهرسازی در اندیشه ملاصدرا چیست؟ در ابتدا به‌طور مبسوط باید دانست که انسان از منظر ملاصدرا دارای چه ساحت و جایگاهی است تا مشخص شود شهر ویژه این انسان باید چگونه ساحتی داشته و دارای چه اصولی باشد.

۷-۲. انسان از نظر ملاصدرا

در اندیشه‌های ملاصدرا، جنبه‌های معنوی پررنگ‌تر از جنبه‌های مادی شهری ظاهر شده‌اند اما به هر دو امر توجه لازم مدنظر فیلسوف بوده است. انسان در نظر صدرالمتألهین یک حقیقت تدریجی است که شامل از ماده تا عقل است (راشد، ۱۳۹۴: ۶۵). از نظر او، شخص مختار است از آن جهت که مجبور است و مجبور است از آن جهت که مختار است (ملاصدرا، ۱۳۹۴: ۲۴). از نظر ملاصدرا، جامعه انسانی جامعه‌ای است که با اراده‌های آزاد افراد انسانی پدید می‌آید (حسنی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). درجه و اهمیت تعالی انسان در فعل، تعالی آزادی است (خاتمی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). خودشناسی و علم نفس، کلید همه علوم است (ملاصدرا، ۱۳۸۹: ۸) و باید ابتدا از اینجا آغاز کرد؛ زیرا که تذکر نفس، موجب تذکر رب خواهد بود (همان: ۱۶). در این مسیر باید عقل و عشق همراه هم باشند که یکی بدون دیگری سودی ندهد (همان: ۵۶). انسان در میان موجودات، تنها نسخه کامل الهی است، به عبارتی، عالم اصغر درون عالم اکبر (خاتمی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). خداوند در انسان نیروی تمام عالم را جمع کرده (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۴۸) اما برای رسیدن به سعادت باید حفظ اعتدال کرد هم در امور نفسانی هم در امور جسمانی (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۱۲۵). به‌طور کلی کمال انسانی در دو چیز است: نخست خیر و خوبی را بشناسد و دوم آنکه خیر و خوبی را برای عمل به آن بشناسد (ملاصدرا، ۱۳۹۳: ۳۱). هر انسانی که عقل منفعلش به همه معقولات کامل گردد و عقل بالقوه و معقول بالفعل شود و معقولش عاقل شود، عقل مستفاد می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۵۶)؛ یعنی هر فرد باید در جستجوی حکمت باشد

که حکمت از بخشش‌های خداوند تعالی است و تنها از طریق سعی و کوشش به دست نمی‌آید و به خواست و مشیت ربانی نیز بستگی دارد (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۳۵). باید به این نکته نیز توجه داشت که نفوس انسانی را در فطرت نخستین و اصل خود، قوه و آمادگی آن هست که به سوی فرشتگی یا اهریمنی و یا به حیوانیت و یا درندگی خرج گردد (ملاصدرا، ۱۳۹۳: ۴). حقیقت انسان عبارت از روح معنای او و نفس ناطقه و عقل مدبر اوست (ملاصدرا، ۱۳۹۱ الف: ۱۶).

دیاگرام ۲- طبقات ممکن الوجود و جایگاه انسان در این میان بر اساس اندیشه‌های ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان



نفوس انسان در بدو تولد درجایی میان نفوس نباتی و ارواح مدبره جزئی قرار دارند و بسته به رفتار و تفکر فرد، پس از تولد قابلیت صعود و نزول دارند. در این تقسیم‌بندی، عقل در بالاترین و عالی‌ترین مرتبه قرار دارد، سپس نفس، طبیعت و در آخر ماده قرار می‌گیرد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۲)؛ که خود معرف اهمیت عقل و توجه به آن و دوری از خواسته‌های مادی است که برای سلامت شهر امری مهم محسوب می‌شود و شهر مطلوب ملاصدرا بدون رعایت این اولویت‌ها، محقق نمی‌شود؛ یعنی برای حصول این مهم باید گوش به فرمان عقل بود؛ آن عقلی که با توحید و دوری از مادیات به نهایت استکمال خود رسیده است.

به‌طور خلاصه در پاسخ پرسش نخست تحقیق یعنی اینکه الگوی اسلامی-ایرانی، اصول، راهکارها، مفاهیم و اندیشه‌های شهرسازی در اندیشه‌ی ملاصدرا چیست؟ باید بیان داشت که در باب منظر

شهری، توجه به اصالت منطقه از لحاظ فرهنگ، خرده فرهنگ و ریشه‌های مذهبی و سنتی هر اجتماع در جهت استکمال فرد و جامعه مهمترین راهکار محسوب می‌شود زیرا همان‌طور که در قسمت تعاریف اشاره شد، نقصان توجه به فرهنگ، کمال و ریشه‌های جامعه در تعریف شهر کاملاً مشهود است که در پژوهش حاضر، این مهم مد نظر قرار گرفته است. در باب اصول شهرسازی، نگاه اصلی این است که قواعد هر شهر مطابق با خواست آن شهر تنظیم می‌شود و قاعده جزئی از پیش تعیین شده‌ای بر آن اجبار نشود تا استکمال فرد و جامعه در بستری متناسب با آنان تحقق یابد. مدیران شهری نیز باید دارای خصوصیتی باشند که مهمترین آنها عبارت است از: پرهیز از لجاجت، عالم و عاقل بودن، فراهم کردن اسباب راحتی شهروندان و گوش شنوا داشتن برای شهروندان.

یافته‌های پژوهش در پاسخ به پرسش دوم پژوهش

• برای یافتن پاسخ پرسش دوم در تحقیق حاضر، یعنی اینکه این اصول، چه تأثیری از لحاظ مادی و معنوی بر شهر و شهروندان مطلوب خود می‌تواند داشته باشد و یا داشته است؟ در ابتدا به‌طور مبسوط باید دانست که صفات و مختصات تشکیل دهنده شهر اعم از حاکم و الگوی اجتماعی شهری از منظر ملا صدرا چگونه است تا بتوان تأثیر مادی و معنوی این شهر بر ساحت شهروندان را دریافت.

۲-۷. صفات حاکم در الگوی شهر مطلوب

برای حاکم شهر اما در جاهای مختلف، شرایط مختلف آورده: دوری از آزار مردم، تحمل کردن رنج رسیده از شهروندان، اجتناب از آزار آنان، فراهم کردن اسباب راحتی ساکنان شهر، عدم حب ریاست و دنیادوستی (ملاصدرا، ۱۳۷۱: ۱۵۷) اما رئیس، اول باید «۱- دارای درک و فهمی نیکو باشد ۲- حافظه قوی ۳- فطرتی درست ۴- زبانی فصیح ۵- دوستدار علم و حکمت ۶- به‌دوراز حرص و شهوت‌پرستی ۷- دارای شرافت نفس ۸- رؤف نسبت به سایر مردم ۹- شجاع ۱۰- بخشنده ۱۱- عارف حقیقی ۱۲- سختگیر و لجوج نباشد» (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۸۸-۴۹۰)

۳-۷. صفات اجتماع و فرد در الگوی شهر مطلوب

در بحث روابط اجتماعی و مسائل شهری نیز، ملاصدرا معتقد است که شهروندان باید در حد استعداد خدادادی خود در جامعه تلاش کنند (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۲۷۴). نیکوکاری نسبت به سایرین در اهم امور اجتماعی قرار دارد (همان، ۳۳۴). انسان به تنهایی نمی‌تواند زندگی کند (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۵۷). جامعه سالم و الگو، جامعه‌ای است که در آن هرکسی مانند اعضای بدن کار مخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران دخالت نکند که این امر با تمرین و ممارست به دست می‌آید. انسان مدنی بالطبع است لذا باید در اجتماع و جامعه زندگی کند تا به کمال مطلوب خود برسد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۹۱). حقیقت انسان حقیقت جمعی‌هاست که وحدتش مثل وحدت عالم وحدت تألیفیه است، صاحب مراتب کثیره متفاوته در تجرد و تجسم، صفا و کدورت، نور و ظلمت (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۵۶۷). تعلیم و آموزش بر سه گونه است: تعلیم بشری، تعلیم فرشتگان، تعلیم الهی (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۴۳). علم لذیذ است و لذیذترین علوم، علم به خدا و صفات و افعال و تدبیر او در کشور خویش است (ملاصدرا، ۱۳۹۱ الف: ۸۲).

پاسخ به پرسش دوم یعنی اینکه این اصول، چه تأثیری از لحاظ مادی و معنوی بر شهر و شهروندان مطلوب خود می‌تواند داشته باشد و یا داشته است؟ باید گفت که: نخست آنکه رعایت حقوق و کرامت مردم سبب عدم پرداختن به جرائم سازمان یافته در جهت تخریب و نابودی منافع عمومی در شهر می‌شود و موجب می‌شود تمایل به انجام جرم‌های اجتماعی و حفظ امنیت شهری تا حد قابل توجهی کاهش یابد؛ زیرا هر فرد احساس داشتن شخصیت و اهمیت در شهر می‌کند و این مهم می‌تواند حضور پرتوان و حداکثری مردم برای بالا بردن بهره‌وری، اشتغال و همکاری در جهت رسیدن به اهداف جمعی و فردی را همراه داشته باشد که این حضور دلیلی است بر ارتقاء سطح مادی و معنوی زندگی شهروندان. دوم آنکه وجود تفکر و درایت در طراحی‌های شهری و توجه به تمام مسائل و استفاده از افراد دانا و توانمند در مدیریت شهری به همراه ترویج آموزش کل اجتماع، موجب می‌شود که این حضور حداکثری، جهت‌دار و نظام‌مند گردد تا جامعه به سمت هدف غائی خود یعنی تکامل فردی و اجتماعی حرکت نماید.

جدول ۵- فرد و شهر در اندیشه ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

<p>مختار بودن، تحصیل سعادت، خودشناسی و خداشناسی، پرهیز از حب جاه و مال و میل به شهوت، رعایت اعتدال در امور جسمانی و روحانی، توجه به حضور قلب، عبادت از روی علاقه و فهم، کمال‌گرایی، الگوگیری از پیامبر اسلام، پیروی از رئیس شهر، تلاش فردی برای پیشبرد جامعه و سعادت آن، دیدن دنیا به‌عنوان محل گذر و کشتزاری برای آخرت، خضوع و خشوع و پرهیز از گردن‌کشی، لزوم استفاده از عقل تا رسیدن به مرحله عقل مستفاد، عقل برترین و شریف‌ترین نیروهای انسان است، عقل سبب رسیدن به مقام خلافت الهی می‌شود.</p>	<p>امور فردی شهروندان</p>
<p>پیوستگی شهری، دوری از زواید، پویایی، پرهیز از تزئینات اضافه، توجه به معنا، آرامش‌بخش برای شهروندان، کمک به سعادت شهروندان، تأکید بر فضاهای جمعی، شریعت به‌عنوان قانون شهر، عدالت اجتماعی، پیروی سیاست شهری از شریعت</p>	<p>شهر</p>

جدول ۶- ابعاد شهر مطلوب از نظر ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

<p>عالم و عاقل، زاهد، خداترس، دنیا‌گریز، الگوپذیری از پیامبر اسلام، تحمل رنج رسیده از مردم، اعراض از آزار مردم، فراهم کردن اسباب راحتی شهروندان، گوش شنوا داشتن، کم صحبت کردن و پرهیز از بیهوده‌گویی، جانب شهروندان را گرفتن، دوری از حب ریاست، دوری از بدگویی، نداشتن ادعا، فطرت نیکو داشتن، شجاع، دارای زبانی فصیح، بخشنده، پرهیز از لجاجت، دارای فهم بلند، عدالت در تقسیم اراضی، اموال و دارایی بین مردم، حراست از اموال مردم، رئیس به‌مثابه قلب شهر</p>	<p>حاکم شهر</p>
<p>اعضای شهر باید همچون اعضای یک بدن باشند و هر عضو کار مشخص خود را انجام دهد، حضور در اجتماع و دوری از خلوت‌گزینی، تلاش در حد استعداد، تعاون در امور، نیکوکاری، وجود حق مالکیت شخصی، حق اظهار نظر و مشورت، هر فرد به کمال نمی‌رسد مگر با حضور در اجتماع</p>	<p>روابط اجتماعی</p>
<p>زیباترین چیز، خداست، تصور زیبایی ناشی از عشق است، کمال هر چیز زیباست، اموری که موجب شادی حقیقی می‌شوند زیبا هستند، زیبایی متضاد بدی و شر است، زیبایی مطلوب بالذات است، طلب علم و آموزش کردن زیباست، زیبایی امری مشکک و ذو مراتب است، انواع زیبایی شامل: حسی و خیالی و عقلی است، عشق زیبایی می‌آفریند.</p>	<p>زیبایی</p>

جدول ۷- تأثیر برخی دیدگاه‌های ملاصدرا بر شهر مطلوب او و قابلیت اجرایش برای شهرهای امروز از منظر

روابط جمعی و فردی؛ ماخذ: نگارندگان

نظرات و اندیشه‌های ملاصدرا	تأثیر آن بر شهر مطلوب	کاربرد آن در شهرسازی امروز
ارتباط مستقیم بین دین، فرد و اجتماع	وجود نهادهای دینی در سیمای شهر مطلوب و وجود روحیه معنوی حاکم در شهر	لزوم طراحی شهری به نحوی که توجه عمده به اجتماع شهری و فضاهای جمعی باشد آن هم با رعایت موازین دینی در جهت سلامت و پویایی جامعه
تلاش برای رسیدن به عقل مستفاد و درجه عالی عقلی	وجود اعتبار و اهمیت تفکر در شهر و مناسب بودن میزان اندیشه با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی	وجود تفکر و درایت در طراحی‌های شهری و توجه به تمام مسائل، استفاده از افراد دانا و توانمند در مدیریت شهری، ترویج آموزش کل اجتماع
کمال‌گرایی مادی و معنوی	تحقق معیارهای شهری در عالی‌ترین سطوح ممکن	طراحی فضاهای جمعی و شخصی در معماری و شهرسازی به نحوی سازگار با رشد فکری، فردی و دینی افراد
لزوم وجود آموزش بر اساس درک افراد	وجود مدارس، نهادهای عالی آموزشی و دانشگاه‌ها مطابق تمام نیازها با تعیین سطح افراد	سطح‌بندی افراد بر اساس هوش، انگیزه، تلاش و پشتکار و طراحی سیستم آموزشی بر این مبنا برای جامعه

جدول ۸- تأثیر برخی دیدگاه‌های ملاصدرا بر شهر مطلوب او و قابلیت اجرایش برای شهرهای امروز از منظر

مدیریت شهری؛ ماخذ: نگارندگان

نظرات و اندیشه‌های ملاصدرا	تأثیر آن بر شهر مطلوب	کاربرد آن در شهرسازی امروز
توجه به زیبایی	پیدایش مبانی نظری زیبایی‌شناسی و نمود آن در مناظر شهری و	توجه به طراحی زیبا با پشتوانه‌ی فکری برای محوطه، میداين و معابر شهری و همچنین ساختمان‌های عمومی و خصوصی باهدف تعالی
تعاون و همیاری در امور میان شهروندان	شرکت در امور جمعی، جشن‌ها و مراسم آئینی در شهر و حضور در سیستم دموکراسی و تصمیم‌گیری در نهادهای قدرت	شرکت دادن مردم در امر مدیریت شهری و انتخابات شورای شهر باهدف همکاری مستدام و مستمر پس از انتخاب اعضا و وجود اهمیت نظرات مردم و انتقال و اجرای آن در سیستم مدیریت شهری
انتخاب الگوهای قابل دسترس	داشتن هدف و مطلوب در شهر و زندگی شهری و اجتماعی	هدف‌گذاری قابل دسترس برای افراد جامعه و تلاش جمعی برای رسیدن به مطالبات شهری و اجتماعی
دوری از خلوت‌گزینی	حضور در شهر و جامعه و انجام به وظایف اجتماعی	حضور پرتوان و حداکثری مردم برای بالا بردن بهره‌وری، اشتغال و همکاری در جهت رسیدن به اهداف جمعی و فردی
پیروی از رئیس شهر	توجه به قوانین، حفظ نظم و انسجام اجتماعی	پیروی از تمام قوانین برای تمام افراد بلااستثناء و پیدایش امنیت و اعتماد شهروندان به مدیران شهری
توجه به زودگذر بودن دنیا	عدم تمایل به انجام جرم‌های اجتماعی و حفظ امنیت شهری	رعایت حقوق و کرامت دیگران و عدم پرداختن به جرائم سازمان‌یافته در جهت تخریب و نابودی منافع عمومی در شهر

جدول ۹- اندیشه‌های آرمانی در شهر مطلوب ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

خلاصه اندیشه	وجه آرمانی بودن و دلایل عدم امکان
رسیدن به عقل مستفاد	چون عقل مستفاد، مجرد است و انسان ترکیب روح و جسم یعنی امور مادی و مجرد لذا امکان حصول در زندگی مادی نیست اما حرکت به طرف آن برای بشر ممکن و مطلوب است.
پیاده شدن تمام امور به صورت مطلوب کامل	به دلیل اینکه تمام مردم از قوانین شهری پیروی نمی‌کنند لذا حصول امور مطلوب به صورت مطلق امری محال است.
رسیدن تمام افراد جامعه به تکامل فردی و اجتماعی	چون افرادی مطابعت از نفس می‌کنند لذا مانع استکمال فردی و گروهی می‌شوند زیرا بر اساس نظر ملاصدرا، افراد وقتی به تکامل می‌رسند که در شهر باشند و وجود افرادی که باهدف شهر همسو نیستند مانع راه دیگران نیز می‌شود که البته خود او به این امر معترف است
وجود آرمان مشترک میان تمام افراد جامعه	به دلیل اینکه نفوس مردم مشکک است، طبقات اجتماعی از پایین‌ترین درجه‌ی معرفتی تا عالی‌ترین نقطه ممکن وجود دارند که هر طبقه، اهداف و آرمانی خاص خود دارد که گاه با کل شهر منطبق نیست

۸. بحث و نتیجه گیری

شهر مطلوب از منظر ملاصدرا برخلاف اندیشه‌های افلاطون، سهروردی و حتی فارابی که بیشتر جنبه آرمانی داشته‌اند، دارای ویژگی‌های قابل اجرایی است که از لحاظ مبانی فکری و عملی می‌توانند جوابگوی مبانی نظری و عملی مسلمان در مواجهه با اندیشه‌های وارداتی غربی باشند. اندیشه‌های او، هم ابعاد جسمانی و هم جنبه‌های روحانی شهروندان را پاسخگو است.

مؤسس حکمت متعالیه، اجتماع را اصل و اساس سعادت هر انسان می‌داند و خاطرنشان می‌کند که بدون اجتماع نمی‌توان به مطلوب دنیا و آخرت رسید. به‌طور کلی می‌توان گفت که الگوی ایرانی-اسلامی شهر مطلوب ملاصدرا دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- راهکارهای عملی برای داشتن شهری مطلوب است که تمام اعضای شهر در پیشرفت آن نقش

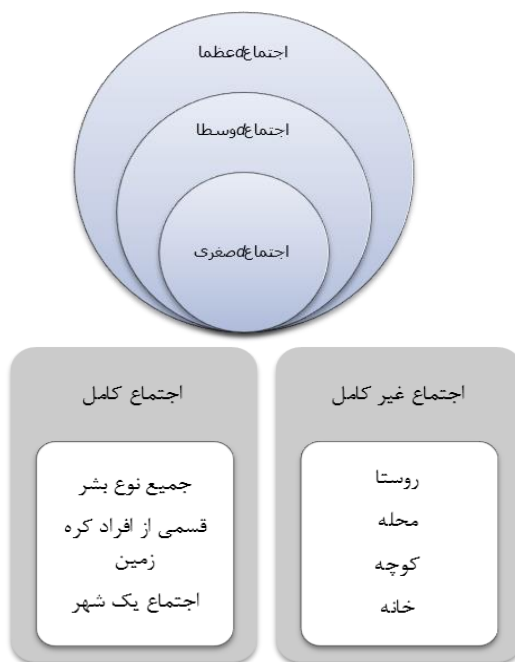
تعیین‌کننده دارند و با همکاری و تعاون همه اعضا، این مهم تحقق می‌یابد.

۲- جامعه شهری دارای اهدافی است که توسط ریاست شهر، یادآوری می‌شود، ریاستی که بلاغت، فصاحت و توجه‌اش به مردم سبب می‌شود تا همه به آن معتقد باشند و عمل کنند.

۳- پرهیز از زوائد و بیهودگی در شهر یک اصل محسوب می‌شود، زیرا از هدر رفت انرژی، توان و عمر شهروندان جلوگیری می‌کند.

لذا می‌توان گفت که تفکرات شهر مطلوب حکیم مثاله، ملاصدرای شیرازی، دارای اصول و راهکارهای ویژه و خاصی در بعد شهرسازی بوده که به‌کارگیری هوشمندانه آنها، می‌تواند تأثیر مثبتی بر ابعاد حیات مادی و معنوی شهر و شهروندان داشته باشد و بهبود کیفیت زندگی و حصول سعادت اخروی را در پی داشته باشد که این امر مختص شرایط زمانی و مکانی خاصی ندارد.

دیاگرام ۳- طبقه‌بندی انواع اجتماع بر اساس نظر ملاصدرا، بر اساس تحلیل کتاب مبدأ و معاد



جدول ۱۰- بررسی قابلیت پیاده‌سازی نظریات ملاصدرا؛ ماخذ: نگارندگان

قابلیت پیاده‌سازی و اجراء	نتیجه در شهر مطلوب	اندیشه ملاصدرا
دارد	عدم وقوع جرائم و تعادل در جامعه	پرهیز از حب و جاه دنیایی
دارد	حصول سعادت دنیا و آخرت	رعایت اعتدال در امور جسمانی و نفسانی
دارد	پیشبرد امور و رضایت شهروندی	همکاری و تعاون شهروندان با یکدیگر
دارد	درک نیازها و فهم جایگاه خویش	خودشناسی
دارد	رعایت حقوق سایر شهروندان	خداشناسی
دارد	یادآوری اهداف اجتماعی	تذکرات نفسانی
دارد	سلامت اجتماع و پویایی آن	حضور در اجتماع
دارد	توجه به فضائل اخلاقی و دوری از رذایل	الگو قرار دادن پیامبر اسلام
دارد	اتحاد و یکپارچگی شهر و شهروندان	پیروی از ریاست شهر
دارد	ایجاد نظم، یکپارچگی و رفع نیازهای مردم	شرایط رهبر اول در شهر
دارد	رسیدن به مطلوب و شراکت جمعی	رعایت حقوق جمعی و فردی

جدول ۱۰- پارامترهای عملیاتی الگوی ایرانی اسلامی شهر مطلوب ملاصدرا؛ مأخذ: نگارندگان

قابلیت اجرا		اندیشه‌ها
ندارد	دارد	
		طبقه‌بندی معنوی و اجتماعی شهری
		حقوق متقابل میان شهروندان و رئیس جامعه
		وجود رئیس فیلسوف در شهر
		ویژگی ریاست شهر
		تعاون در امور اجتماعی
		وجود اهداف اجتماعی
		یادآوری اهداف اجتماعی
		سعادت خواهی عموم شهروندان
		حرکت جوهری در نفس برای کمال در جامعه
		سیاست شهر بر اساس شریعت
		فیلسوف شدن تمام افراد جامعه

جدول شماره ۱۱، راهکارهای شهری طبق نظر ملاصدرا؛ مأخذ: نگارندگان

راهکارها	قواعد شهری
<p>- طراحی منظر شهری به عنوان یک کل منسجم که اجزاء بر کل و کل بر اجزاء تأثیرگذاراند که نمود و تأثیر هر کدام بر دیگری قابل تشخیص باشد.</p> <p>- طراحی منظر شهری به نحوی که هر فرد با میزان اندیشه و درکش بتواند معنایی در خور خود ادراک نماید.</p> <p>- توجه به زیباسازی و تزئینات شهری براساس فرهنگ و ریشه‌های شهروندان و معاصرسازی کهن الگوها.</p> <p>- شهر و منظر شهری به مثابه یک متن که هر کس بر اساس نفس خود بتواند حرکت</p>	منظر شهری

الگوی اسلامی ایرانی شهر مطلوب در اندیشه ملاصدرا

<p>جوهری‌اش را در جهت استکمال آن داشته باشد.</p> <p>- توجه به اصالت منطقه از لحاظ فرهنگ، خرده فرهنگ و ریشه‌های مذهبی و سنتی هر اجتماع در جهت استکمال فرد و جامعه.</p> <p>- لزوم حفظ و مرمت بناهای سنتی بخاطر یادآوری ریشه‌های شهروندان.</p> <p>- استفاده از عناصر کهن و بازآفرینی و معاصر سازی آنها در آثار جدید با هدف نمایش گذشته و توجه به آینده.</p>	
<p>- توجه به محله‌ها بعنوان یک جزء همزمان نگاه به اینکه این محله‌ها، از یک کل تشکیل شده اند و لزوم حفظ تشابه کل با جزء با رعایت اصالت منطقه و خرد ریشه‌های آن</p> <p>- زمینه‌گرایی بر اساس هویت همان شهر و نمود آن در تمام سطوح شهری.</p> <p>- لزوم دیده شدن عمق مفهوم در آثار و عناصر شهری و پرهیز از کارهای تقلیدی صرف کم عمق.</p> <p>- لزوم مشارکت جمعی و فردبه‌فرد شهروندان و توجه به خواست آنان؛ چون بیشینه شهروندانی که آموزش صحیح دیده‌اند فرهیخته هستند و خواست مشابه دارند لذا تا حدودی پیاده‌سازی نظر ایشان قابل انجام است.</p> <p>- داشتن برنامه‌های بلند مدت شهری که حکیمان، فرهیختگان و متخصصان آن را تدوین کرده‌اند و طبق نظریه حرکت جوهری، به صورت سالانه به بحث و نظر گذاشته می‌شود و تکامل می‌یابد؛ یعنی هم برنامه بلندمدت و هم کوتاه‌مدت منطبق با آن.</p> <p>- توجه به اهداف کوتاه‌مدت در عرض اهداف بلندمدت که همان مجمع حکیمان آن را مدون می‌کنند و خواست افراد جامعه در آن مثل برنامه بلندمدت دیده شده.</p> <p>داشتن فرآیند در امور امریست لازم و در راستای حرکت جوهری است، اما این فرآیند باید دارای اصول منطقی، عقلی و حکمت با توجه به نیازهای مادی و معنوی شهروندان باشد.</p> <p>- توجه به کاربری‌ها و لزوم در دسترس بودن آنها برای ساکنین هر محله.</p> <p>- توجه و اهمیت فراوان به تکنولوژی بعنوان عنصر یاری دهنده در پیشرفت مدیریت شهری، زیبایی شهری و سایر عوامل مربوط به شهر.</p> <p>- قواعد هر شهر مطابق با خواست آن شهر تنظیم می‌شود و قاعده جزئی از پیش تعیین‌شده‌ای بر آن اجبار نمی‌شود.</p>	<p>عناصر شهری، روش و اصول شهری</p>

<p>- لزوم وجود سه مرکز شهر که یکی از آنها اصلی و دوتای دیگر فرعی و به‌عنوان کاهنده بار ترافیکی و تأمین‌کننده فضا برای مرکز اصلی باشند.</p> <p>- تأکید بر حمل و نقل عمومی و توجه به کرامت شخص در آن و ایجاد فضایی جمعی برای گفت و گو در ایستگاه‌ها به‌عنوان فضای تعامل.</p> <p>- وجود مرکز محله‌ها، پارکها و فضاهای گفت و گو در باب مسائل شهری و انسانی برای تمام افراد و رده‌های سنی در جهت استكمال فردی و جمعی متناسب با هدف کلی شهر.</p>	سیستم ارتباطی
<p>- لزوم وجود تراکم بالا، کم و حتی فضایی بدون تراکم جمعیتی در هر محله برای گسترش در آینده.</p> <p>- توجه به بلند مرتبه سازی با رعایت حریم فردی، خصوصی و جداسازی این فضاها از فضاهای دیگر به‌دلیل رعایت بحث دید، مشرفیت و نورگیری همه فضاها.</p>	تراکم شهری
<p>- لزوم ارتباط مستقیم با طبیعت جهت یادآوری اینکه انسان نیز جزئی از این طبیعت است - حفظ و گسترش فضای سبز درون‌شهری و برون‌شهری.</p> <p>- کاهش استفاده از سوخت‌های آلاینده و جایگزینی با انرژی‌های پاک طبق اصل حرکت جوهری و اینکه سوخت‌های آلاینده مخالف استكمال و توسعه هستند.</p> <p>- مصالح می‌توانند بوم آورد نباشند اما باید به‌نحوی به‌کار روند که منافی فرهنگ و هدف منطقه نباشند و آن را زیر سوال نبرند.</p> <p>- اهمیت بالای مطالعه زیست‌بوم و اکولوژی منطقه در جهت استفاده درست و جلوگیری از نابودی آن.</p> <p>- طبیعت، در ذات خود زیبا است و انسان به دنبال زیبایی است پس وظیفه‌اش حفظ زیبایی طبیعت است.</p>	طبیعت و بوم منطقه
<p>- اصل توسعه با اصل حرکت جوهری در یک راستا هستند لذا توسعه در هر امر شهری، پسندیده است.</p> <p>- توسعه هم باید در خود شهر و هم حومه شهر پدید آید تا سبب جلوگیری از ورود فرهنگ حومه به مرکز شهر شود و از طرفی نباید مناطق برخوردار سبب آسیب روحی مناطق کم برخوردار شود.</p>	توسعه شهری

<p>- حفظ و بازشناسی آثار کهن در راستای توسعه فرهنگی امریست ضروری.</p>	
<p>- لزوم توجه به فرد در اجتماع با رعایت استقلال فردی و حفظ آن. - توجه به اجتماع با نظر به فردیت شهروندان و رعایت آن. - کاربران در هر امری قادر به ارائه نظر هستند و نظر آنها باید شنیده و حتی المقدور تامین گردد. - لزوم مشارکت عمومی و فرد فرد شهروندان. - استفاده از خلاقیت های فردی و بکارگیری آن در جهت نیل به پیشرفت و کمال - شهروندان که پیشینه آنان فرهیخته اند مجاز به انتقاد سازنده در هر سطحی از مدیریت شهری هستند، این امر ضمن اینکه حق آنهاست بلکه وظیفه آنان نیز محسوب می شود.</p>	<p>شهروند و کاربر</p>

ملاصدرا انسان را مدنی بالطبع می داند و همین امر سبب می شود که انسان جامعه را تشکیل دهد و در آن زندگی کند تا با قرارگیری در اجتماع، به اهداف خود که همانا سعادت، توالد، آرامش، تعالی و استکمال است نزدیک شود. شهر مطلوب او نماد حاکمیت قانونمندی، علم پروری، همبستگی، پویایی و کمال فردی و اجتماعی است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ملاصدرا در آثار خود به ویژه در شواهد الربوبیه، کسر اصنام الجاهلیه، اسفار عقلی اربعه و رساله خلق اعمال، به خوبی به تبیین شهر و جامعه مطلوب خود پرداخته است و ایده های او در این زمان که بیشترین ورود الگوها، نظرات و حجم های غربی را که با روح و کالبد شهری ما ذره ای همسویی ندارند می تواند گره از کار مبانی نظری و عملی شهرسازی ما بگشاید و در شهرهایمان نمود عینی یابد. دلیل این مدعا این است که برخلاف بسیاری از اندیشه های غربی که در تلاش است با اومانسیم، جنبه مادی حیات انسانی را تحت پوشش قرار دهد، نظریات صدر المتألهین توانسته علاوه بر این مهم، جنبه روحانی بشریت را نیز بررسی نماید تا در بستر شهر، کمال حقیقی فردی و اجتماعی با هم محقق گردد.

منابع

۱. اسفندیاری مصطفی، مهدوی آرا مصطفی، نادریان لایین علیرضا، یوسفی چوبینی صدیقه، (۱۳۹۵)، «آرمان شهر اسلامی از منظر امام رضا (ع)»، نشریه فرهنگ رضوی، پاییز ۱۳۹۵، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۹۹-۱۳۲.
۲. افروغ، عماد، (۱۳۹۵)، ارزیابی انتقادی نهاد علم در ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. بنی‌فاطمه حسین، بوداقلی علی، (۱۳۹۳)، «مقایسه شهر مطلوب با شهر جهانی»، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۱-۲۵.
۴. پروین، جابر، (۱۳۹۱)، جابر پروین، «مقایسه پیش فرضهای جامعه مطلوب در قرآن کریم از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و علامه طباطبائی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شیراز.
۵. توسلی، غلام‌عباس، (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
۶. حسینی، ابوالحسن، (۱۳۹۰)، حکمت سیاسی متعالیه، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. خاتمی، محمود، (۱۳۸۷)، اندیشه‌های صدرایی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر علم.
۸. خاتمی، محمود، (۱۳۸۶)، جستارهای صدرایی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر علم.
۹. دهقان، علیرضا، (۱۳۸۶)، ترجمه کتاب نظریه‌های ارتباطات نوشته سورین، ورنر و تانکارد، جیمز، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. راشد، حسینعلی، (۱۳۹۴)، دو فیلسوف شرق و غرب «صدرالمتألهین و انیشتین»، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۱. رفیعیان، مجتبی، فرجام، رسول، (۱۳۹۰)، تاثیر فرآیند جهانی شدن بر ساختار شبکه شهری جهان، فصلنامه ژئوپلتیک، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۰۵-۱۴۵.
۱۲. زنجانی‌زاده، هما، (۱۳۷۹)، ترجمه کتاب کنش اجتماعی نوشته روشه، گی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۳. سهروردی، شهاب‌الدین، (۱۳۹۰)، آواز پر جبرئیل، به کوشش حسین مفید، تهران، انتشارات مولی.
۱۴. طباطبائی، سید جواد، (۱۳۸۵)، درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، کویر.
۱۵. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران، انتشارات خوارزمی.

۱۶. عظیمی، فرامرز، قراگوزلو علی، قادری، اسماعیل، (۱۳۹۲)، ترجمه کتاب مفاهیم کلیدی در مطالعات شهری نوشته مارک گوتدینر و لسلی باد، تهران، انتشارات آذرخش.
۱۷. علیخواه، فردین، (۱۳۹۵)، ترجمه کتاب دگرگونی شهرها نوشته دیوید سی تورنز، تهران انتشارات نشر شهر.
۱۸. عینی فر، علیرضا، (۱۳۹۱)، ترجمه کتاب روش‌های تحقیق در معماری نوشته لیندا گروت و دیوید وانگ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. فنی، زهره، صارمی، فرید، (۱۳۹۲)، رویکرد توسعه پایدار محله‌ای در کلانشهر تهران، مورد: محله بهار منطقه هفت، جغرافیا و توسعه شهری، شماره ۳۰، صص ۳۵-۵۶.
۲۰. قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب ۱۳۶۲/۰۴/۱۵
۲۱. محمدی کیا، طیبه، (۱۳۹۸)، شهر مطلوب «غزالی»: آرمانشهری بر مدار اصلاح، دو فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری» شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۴۷-۲۲۵.
۲۲. محمودی، سمیرا، (۱۳۹۷)، چیستی آرمان‌شهر شیعی در آرای ملاصدرا و آیت الله جوادی آملی، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۵-۱۶.
۲۳. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۴)، رساله خلق اعمال، ترجمه علی بابایی، تهران، انتشارات مولی.
۲۴. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۴ ب)، رساله اصالت جعل وجود، ترجمه علی بابایی، تهران، انتشارات مولی.
۲۵. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۳)، تفسیر سوره جمعه، ترجمه محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات مولی.
۲۶. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۱ الف)، تفسیر سوره‌های طارق و اعلی و زلزال یا جلوه‌های خلقت، ترجمه و تصحیح و تعلیق محمد خواجه‌جوی، تهران انتشارات مولی.
۲۷. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۹۱ ب)، رساله الحشر یا کتاب رستاخیز جهان، ترجمه محمد خواجه‌جوی، تهران انتشارات مولی.
۲۸. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۸۹)، رساله سه اصل، تصحیح محمد خواجه‌جوی، تهران، انتشارات مولی.

۲۹. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۸۱)، مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد الحسینی اردکانی، تهران، انتشارات دانشگاهی.

۳۰. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۷۱)، کسر اصنام جاهلیه، ترجمه محسن بیدار فر، تهران انتشارات الزهراء (س).

۳۱. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۶۶)، شواهد الربوبیه، ترجمه دکتر جواد مصلح، تهران، انتشارات سروش.

۳۲. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، (۱۳۶۳)، اسرار الآیات، ترجمه محمد خواجهوی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۳۳. ناظرزاده کرمانی، فرناز، (۱۳۷۶)، اصول و مبانی فلسفه سیاسی فارابی، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء (س).

۳۴. Kamng, Mee, Hills, Peter(2003), World cities or great cities? A comparative study of five Asian metropolises, Cities, Vol. 20, No. 3, pp. 151-165.

35.Savitch, H.V(2010),What makes a great city great? An American perspective, Cties 27 , 42-49.